

## نهضت صاحب‌الزوج

سید کاظم روحانی

۲۰۳

عراق و ایران قیامها و حرکتها و نهضتها، بعد از روی دهد.<sup>(۱)</sup>

اوج این حرکتها و نهضتها، بعد از قتل ناجوانمردانه ابو‌مسلم خراسانی بدست منصور (خلیفه عباسی) بود که صمیمانه برای تأسیس حکومت عباسیان تلاش نموده بود.

در قرن‌های اولیه اسلامی یک سلسله نهضتها و قیام‌هایی در ایران روی داد که به جهت مقاومت و استقامت در برابر حکام جائز اموی و بعداً عباسی و حتی مقاومت در برابر حکام و سلاطین حاکم بر ایران، دارای ارزش و اهمیت فراوان است و به همین جهت، نظر و توجه علاقمندان به تاریخ ایران اسلامی را بخود جلب نموده است.

در این میان گذشته از تحقیقات ایرانیان و پارماهی از نویسندها و مورخان عرب معاصر، مطالعات و بررسیهای محققان روسی به دلایل خاص و شرایط زمانی و خلاص فکری و تاریخی، نظر علاقمندان به تاریخ ایران را متوجه خود نموده بود.

تبییناتی که پیرامون این گونه آثار می‌شد، متأسفانه تا این اواخر جوی را بوجود آورد که تحقیقات نویسندها روسی، مهمترین منابع مورد مراجعت و نظر

### پیشگفتار

با حضور اسلام در ایران و گسترش آن، خصوصاً بعد از حکومت امام علی عليه‌السلام، ایرانیان با اندیشه و نظام ضد طبقاتی اسلام آشنا شدند و خود مشتقانه در ترویج و تحکیم اسلام کوشیدند.

منظور از تعبیر ضد طبقاتی نظام منحط طبقاتی و اشرافی ساسانیان بود که براساس برداشت‌های نامه تنسر منسوب به دوره ساسانیان، مردم را به طبقات مختلف تقسیم نموده بودند، آشکار است که اشراف و زمین داران و خاندانهای بزرگ در رأس اجتماع قرار داشتند. بعد از شهادت امام علی<sup>(۲)</sup> چندان نمایید که بنی امية شالوده نظامی را بنا نهاد که بنیان آن حیله و نیرنگ و هدفش نابودی اسلام بود.

جه حاکمان دوره اول اموی (سفیانیان) و چه مروانیان که روی کار آمدند جز نسگ و ذلت و خفت کارنامه دیگری از خویش بر جای نهادند. سیاستهای غلط اجتماعی - فرهنگی امویان، تحریر اقوام و نژادها، مسخ اعتقادات اسلامی، تحمیل حاکمان ستم باره بر مردم، گرفتن مالیات‌های مضاعف، قتل عام فرزندان پاک نهاد خاندان علی لقا، سرکوب شیعیان و.... همه و همه سبب شد که در گوش و کنار

اعتقادی، پژوهش‌های پارهای از شرق‌شناسان اروپایی  
هم خالی از غرض، زلت و خطأ نیست.

اینگونه نویسنده‌گان چه بسا با دسایس فرهنگی در  
تحریف و تخدیش اندیشه‌های اسلامی می‌کوشیده‌اند و  
انگار که پاسدار صلیبیت فرهنگی هستند.

در این میان، پارهای از نویسنده‌گان این مرز و بوم  
چشم به مطالعات فرنگیان داشتند و حتی بازگو کننده  
افکار و اندیشه‌های آنان بودند. و در همین راستا و  
هدف کنگرهای تشریفاتی که به نام تحقیقات به  
اصطلاح «ایران‌شناسی» برگزار می‌شد، از امیال و  
اغراض سیاسی خالی نبود.

با آنکه شعار همه شرکت کننده‌گان این قبیل  
کنگره‌ها، افتراق سیاست از تحقیق بود، اما قریب به  
اتفاق مقالات شرق‌شناسان رنگ و بوی سیاست داشت.  
بدیهی است در کشورهای جهان سوم، به سبب  
برخی از مسائل از جمله اطاعت بعضی از زمامداران به  
مزدوران و ایادی استعمار و تمدیح عده‌ای از نویسنده‌گان  
به حکام خود کامه، مردم عنایت چندانی به اهل فکر و  
قلم وابسته نداشته و ندارند.

از سویی، تحریر و قایع نگاریهای مغض و صرف و  
عاری و خالی از تحلیل و تحقیق، خود از عواملی بود که  
نویسنده‌گان جوان را مشتاق می‌نمود که به نوشتارها و  
آثار فرنگیان قناعت کنند و این خود وسیله و روزنامه‌ای  
بود برای تبلیغ اندیشه و آراء غیر واقع، در مطالعات  
تاریخی.

بعنوان نمونه، مطالعاتی که این اوخر در زمینه  
«سربداران» و «حروفیه» انجام گردیده برهمنین روال و  
سیاق است که الگوهای به اصطلاح «مبارزات ضد  
طبقاتی» را پیرامون نهضتها اسلامی و ضد ستم تعمیم  
و تطبیق داده‌اند و حتی نهضت صاحب‌الزنج را که  
قیامی همگانی علیه عباسیان بود به نام مبارزه ضد  
طبقاتی یاد کرده‌اند! (۱)

\*

أهل پژوهش بوده است.

اما این نویسنده‌گان که خود سخت تحت نفوذ و  
دستور حزب حاکم و جزئیت فکری و فلسفی و الگوهای  
از پیش ساخته و پرداخته شده به نوشتن آثاری از این  
قبيل می‌پرداختند، ریشه حرکتها و جنبش‌های اسلامی  
را بر بنیان مبارزات طبقاتی نگریسته و با تحریف منابع و  
قصر و حذف مطالب، به مطلوب و مدلول خود  
می‌رسیدند. (۲)

در این میان پارهای از نویسنده‌گان وطنی به  
متابع از حوزه تاریخ نگاری روس دست به تألیف آثاری  
چند پرداخته، ضمن تحریف حقایق تاریخی، مشکلی  
بر مشکلات مطالعات تاریخی افزوده‌اند. (۳)

اینگونه نویسنده‌گان، نه فقط حرکتها ای سیاسی  
و فکری را توجیه طبقاتی و مادی می‌نمودند، بلکه  
اندیشه‌ها و آراء بزرگانی چون منصور حلاج و  
سید‌فضل‌الله استر آبادی را بر همین سیاق و روش توجیه  
کرده‌اند. و در این راه حتی دست از افراط باز نداشته،  
حلاج و استر آبادی را «انسان خدا» دانسته و نهضتها  
اصیل عرفانی آنان را «جنبیش انسان خدایی»  
نامیده‌اند. (۴)

در این میان آنچه که بیش از همه مایه تأسف و  
اندوه است استفاده غیر علمی و سطحی از مطالعه  
منابع متقدم است و اگر خواننده علاقمند خود فرصت  
انطباق و یا مطالعه آن منابع را بدست نیاورد توگوئی  
واقعیت همین است که در این مطالعات آمده است.

شگفت اینکه، بعد از طبع اینگونه کتابها، خود  
مؤلفان یا مؤلف با نام مستعار به نقد و معرفی اثر در  
روزنامه‌های یومیه پرداخته و حتی سکوت عالمان تحقیق  
و تاریخ را دال بر رضایت علمی آنان تلقی کرده‌اند و از  
هیچ‌گونه ماجراجویی‌های روزنامه‌نگارانه هم خودداری  
نمی‌نمودند. (۵)

البته به همان اندازه که تحقیقات محققان روس  
انحرافی است و سراپا تحریف و تخدیش جریانات

از این‌رو خلافت عملاً مشروعیت دینی و سیاسی خود را از دست داده بود و اگر ظهور غزویان و بعدها سلاجمه که خود را از نظر اعتقادی و سیاسی پای بند حکومت عباسیان می‌دیدند نبود، چه بسا خلافت بغداد زودتر از آنچه تصور می‌رفت متلاشی می‌شد.  
نه فقط در بغداد، بلکه در اکثر شهرها مخالفت و مقاومت در برابر نظام فاسد عباسیان ادامه داشت.  
از جمله خوارج در سیستان و خراسان، همواره مایه نگرانی بغداد بودند، یعقوب لیث، به همراهی گروه زیادی از جوانمردان و عیاران، سیستان را متصرف واعلام استقلال نموده بود. علیویان و سادات بر امل وساری دست یافته بودند و...  
همزمان و همگام با این خیزش‌ها و حرکتها بود که صاحب‌الزنج نیز علم مخالفت بر افراشت و روستاییان ستمدیده وزجر کشیده را گرد خویش جمع کرده و مبارزه علیه عباسیان را آغاز نمود.

### ب. عوامل اقتصادی و اجتماعی

دستگاه عباسیان در زمان متول و پس از آن، اقتدار اقتصادی و شهرت اجتماعی زمان‌هارون الرشید را نداشت و بیش از همه وقت از وضع متزلزل مالی رنج می‌برد.

از عوامل اصلی آن خوجه‌ای زایدی بود که دستگاه حکومت عباسیان داشت، از جمله مخارج واقامت ترکان مقیم بغداد مایه و سیم فراوان می‌طلبد.<sup>(۸)</sup>

\* زنج معرب زنگ است، ولایت زنگبار را نیز گویند. و به غلامان، کشاورزان و بردگانی اطلاق می‌شد که به رهبری علی بن محمد در سال ۲۵۵ علیه خلافت عباسی شوریدند. و صاحب‌الزنج لقب رهبر قیام بوده، چنانچه صاحب الدعوة لقب ابومسلم خراسانی بوده است. این زنگیان را بیشتر از بلاد شرقی آفریقا به صحره و اراضی بطیجه می‌آوردند، هدف نگارنده در بررسی این نهضت ذکر وقایع و حوادث ویا بررسی «وقایع نگارانه» نیست.

### علل و عوامل نهضت صاحب‌الزنج

نهضت صاحب‌الزنج که به مدت پانزده سال خلافت عباسی را بخود مشغول داشت و حکومت بغداد را تابه پرتگاه افول و سقوط کشانید براier علل و عواملی چند شکل گرفت که بدون ارزیابی آنها، آشنایی با این نهضت میسر نیست.

این عوامل را می‌توان به سه بخش به قرار ذیل تقسیم نمود: الف- عوامل سیاسی، ب- عوامل اقتصادی و اجتماعی، و- عوامل وانگیزهای دینی.

### الف. عوامل سیاسی

حضور نظامی ترکان در آسیا، خصوصاً بعد از سقوط ساسانیان، تحول شگرفی در دنیای اسلام بوجود آورد. این قوم که ابتدا به عنوان برده و غلام توسط تجار و یا سرداران و امیران ایرانی در شهرها و بلاد به فروش می‌رسیدند، در زمان حکومت متول (خلیفه عباسی) نیرویی قدرتمند در دستگاه خلافت عباسی گردیدند. هر چند زمینه و سابقه نفوذ ترکان در بغداد و حکومت عباسیان به اواخر حکومت هارون الرشید، خصوصاً خلافت مفترض مریوط می‌گشت، اما در دوره خلافت متول نفوذ ترکان افزون گشت، تا آنجا که شخص متول در سال ۲۴۷ هجری چند سال قبل از نهضت صاحب‌الزنج مقتول گشت.<sup>(۹)</sup>

لازم به یادآوری است که خلفای عباسی عملاً در اختیار ترکان و فرماندهان نظامی ترک بودند که به جزی جز حفظ اقتدار خویش نمی‌اندیشیدند.

حکومت زودگذر منتصر و متسعین نشانه اضطراب و اغتشاش دستگاه عباسیان و حضور فعال و دخالت مستقیم ترکان در امور سیاسی بغداد است.

در آن زمان، خلافت عباسی، نفوذ چندانی بر ولایات تابعه نداشت، بگونه‌ای که عمال حکومت خود مختارانه عمل می‌نمودند و ظلم و ستم نسبت به مردم از حد فزون بود.

اخلاقی، سخت مورد اعتراض مردم بودند و تا آنجا که ترکان مقیم بغداد هم خلفای عباسی را به نیشخند و تمسخر گرفتند. و در حقیقت این خلافاً، آلت دست ترکان بودند.

گذشته از پاره‌ای از علمای سوه و مقامات دینی که خلفاً را تایید نموده و خلفاً را امیر المؤمنین می‌نامیدند، فقيهان و داشمندان آزاده‌ای هم بودند که بردرگاه عاری از معدلت اين بی خبران از دنيا و ديانات نمی‌رفتند.

مبازرات شيعيان طبرستان که تفصيل آن در شماره قبل همين مجله آمده است ونهضت شيعيان خراسان، وحرکت انقلابي قرامطه وقيام يعقوب ليث همه وهمه نشانه اعتراض ومخالفت مردم بادستگاه حکومت عباسيان بوده است.

نکته‌ای که اکثر محققان از آن غافل مانده‌اند، وضعیت شيعيان اثنی عشری در آن دوره بود که خلفای عباسی ترس و خوف از مولودی داشتند که بشارت آن را بارها امامان وخصوصاً در مأثورات وروایات پیامبر اکرم (ص) وائمه معصومین داده شده بود، یعنی ولادت صاحب العصر امام زمان (عج).

ترس خلافت از ولادت چنین مولودی به حدی بود که سالیان متعدد خانه و محل اقامات امام یازدهم حضرت امام حسن عسکري<sup>(۱)</sup> را تحت نظارت و کنترل داشت. آن زمان، هم‌جنبيش امامت و مهديت همه جا شيوع یافته بود وهم به شيعيان بشارة ولادت مهدى (عج) داده می‌شد.

\* مصادره اموال دبيران وصاحبان مال نه فقط در مرکز خلافت عباسی رسم بود بلکه حکومتهای محلی و حتى سلسله‌های قدرتمند هم به چنین کاري دست می‌یابيدند. سلطان محمود غزنوی به سعایت وحرف اطرافيان کلیه اموال وزيرش ابوالعباس اسفرابنى راضبیت نمود. ويس از قتل خواجه نظام‌الملک (۴۸۵ هجری)، اموالش را به غارت بردن و قسمتی از آن هم ضبط و مصادره شد.

از سوی خزانه سخت تهی بود واز سوی دیگر بعدع مصادره اموال دبيران وزیران<sup>\*</sup> و کارمندان عالي متربت همچنان بر جای بود<sup>(۲)</sup> نه فقط مصادره بلکه سياست غصب اموال باشد ادامه داشت.

ونيز از دیگر سوی، عده‌ای از زمین داران و مالکان بغداد با اجازه دولت و حکومت دست به توسعه کشاورزی زدند واراضی کلانی را از حکومت دریافت داشتند. و در حقیقت، عباسیان با گرفتن وجود قابل توجهی، اراضی را به ثروتمندان و اگذار می‌کردند و این زمین داران برای کارهای فلاحت وزراعت، زنگیان و سیاهان را از شرق آفریقا به واسطه وبصره می‌آوردند.

بدیهی است وضع معیشت این بردگان که به کار کشاورزی مشغول می‌شدند اصلاً مساعد و مطلوب نبود ورفتار خشن زمین داران و مالکان این مشکلات را دوچندان می‌ساخت.

اکثر این مهاجرین زنگبار به کارهای سخت و طاقت فرسا گماشته می‌شدند، مانند خشکاندن باتلاقها. وپاره‌ای هم مأمور فراهم آوردن شیره خرما بودند که به تمارین معروف گردیدند.

لازم به تذکر است که این زمین داران، گذشته از زنگیان، کشاورزان و روستائیان محلی را هم استئمار می‌نمودند.

صرف نظر از مشکلات کاري، محیط معیشت این زنگیان آلوده بود، بگونه‌ای که هر چند گاهی، طاعون ووبا در میانشان ساری و شایع می‌شد. چنانچه در سال ۲۵۵ هجري، طاعونی سخت در بصره، اهواز و واسط شیوع یافت که بسیاری از مردمان را بکشت<sup>(۳)</sup>.

چ. عوامل و انگیزهای دینی  
خلافت عباسی نه فقط از نظر شيعيان مشروعت نداشت، بلکه شخصیت‌هایی چون يعقوب ليث و بعدها آل بویه هم منزلت دینی عباسیان را پذیرا نبودند.  
در آن زمان خلفای عباسی به جهت جنایات و مفاسد

به بصره آمد و یاران متعدد و یکدل فراگرد کرد که معروفترین آنها علی بن ابان بود. او سرانجام در سال ۲۵۵ مبارزه فراگیر را علیه خلافت عباسی آغاز کرد و این مبارزه و مقاومت پانزده سال ادامه یافت.

صاحب‌الزنج بعد از تحکیم موقعیت خود، جهت رضامندی مردم به کارهای چندی دست یازدید: اول اینکه از فرستادن خراج و مالیات به بغداد خودداری کرد.

دوم اینکه یک شورای حکومتی به نام شورای انقلاب جهت تمشیت امور تأسیس کرد و کارها را به مشورت انجام می‌داد.

صاحب‌الزنج مختاره را که دزی نفوذناپذیر و مستحکم بود به عنوان پایتخت خود انتخاب کرد.

خلافت عباسی که خود از بی‌نظمی و فساد سیاسی در بغداد رنج می‌برد، در برآبر نهضت صاحب‌الزنج کاملاً ناتوان و غافل‌گیر شد و با آنکه این حرکت در جوار حکومت بغداد روی داده بود اما زنگیان پانزده سال در برابر عباسیان ایستادگی نمودند. دلایل این موضوع را می‌توان بدین قرار برشمرد:

- ۱- نادیده انگاشتن خطر زنگیان از سوی خلافت بغداد.

۲- قیام یعقوب لیث علیه خلافت عباسی که کار صاحب‌الزنج را هم قوت بخشید.

۳- فساد سیاسی، اداری و اجتماعی خلافت عباسی و ناراضی بودن مردم از خلفاء.

۴- اختلاف «موفق» برادر خلیفه که حاکم ولایات شرق خلافت بود با احمد بن طولون حاکم مصر (نوعی رقبت و کشمکش) برای بدست آوردن قدرت و شهرت).

در دوره پانزده ساله مقاومت صاحب‌الزنج و اعوان وی، البته اعمال ناشایست هم از آنها سرزده است که بخردانه نبود. از جمله ویرانی مزارع کشاورزی، آتش زدن خانه مخالفان، مصادره اموال تجار و بازرگانان، و در این میان شهر بصره از نظر اقتصادی و کشاورزی

لذا انتظار ظهور مهدی و رهایی دهنده مستضعفان از ظلم و ستم زمینهای شد تا عدهای کذاب به دروغ و نیرنگ مدعی مهدویت گردیده و خود را مولود موعود و مهدی بنامند، تا آنجا که برادر امام یازدهم به دروغ دعوی امامت و جانشینی نمود که شیعیان ادعای وی را پذیرا نشند.<sup>(۱۱)</sup>

### آغاز کار صاحب‌الزنج (۲۵۵ - ۲۷۰)

به همان اندازه که قیام قهرمانانه زنگیان در همه متون تاریخی متقدم با کمی اختلاف در ضبط روایات مورد اشاره قرار گرفته، اما احوال و آغاز کار صاحب‌الزنج در بوته ایهام وابهام قرار دارد.

اکثر نویسنگان اورا اهل ایران می‌دانند که در روزتای ورزنیان (Varzaniyan) در نزدیکی تهران کنونی زاده شده است و طبری اورا صریحاً اهل ری می‌داند<sup>(۱۲)</sup> و خواجه نظام‌الملک طوسی از صاحب‌الزنج به نام علی بن محمد برگی یاد کرده است.<sup>(۱۳)</sup>

و برخی اورا از یاران و دوستداران خاندان اهل بیت عصمت دانسته‌اند و هندوشاه نخجوانی می‌نویسد که نسبت او به خاندان علی<sup>(۱۴)</sup> می‌رسیده است.<sup>(۱۵)</sup> روایت پارهای از مورخان این است که جد صاحب‌الزنج هماره بازی‌بن علی<sup>(۱۶)</sup> برهشام بن عبدالملک شوریده بود.

صاحب‌الزنج پس از مدتی اقامت در سامره به بحرین رو آورد و در آنجا خبر علوی بودن وی شایع گشت. و در بحرین طرفداران زیادی یافت و اکثر طرفداران او را در بحرین برد کان، کشاورزان تشکیل می‌دادند.

ظاهراً اقدامات وی در بحرین چندان موقیت‌آمیز نبوده است، لذا به میان پارهای از قبایل رفت و خود را «امام وقت» نامید و شایع نمود که وی همان بحقی بن عمر علوی است که در نزدیکی کوفه مقتول گشته بود.

علی بن محمد معروف به صاحب‌الزنج بعد از مدتی

### علل پیروزی و شکست زنگیان

- علل و عوامل پیروزی نهضت صاحب‌الزنج را می‌توان موارد ذیل بشمار آورد:
- ۱- فساد دستگاه خلافت عباسی و ناراضایت مردم.
  - ۲- مدیریت و تلاش صاحب‌الزنج در هبری و هدایت مردم.
  - ۳- استفاده صاحب‌الزنج از احساسات و علاقه مردم به خاندان پیامبر (ص).
  - ۴- داشتن سرداران لایق نظامی.
  - ۵- اجرای عدالت در میان روستاییان و کشاورزان.
  - و اما عواملی چند که در شکست نهضت صاحب‌الزنج دخالت داشته است از این قرار می‌باشد:
    - ۱- نبودن برنامه منظم اجتماعی درازمدت.
    - ۲- محدودیت قلمرو چنگ‌آورانی نهضت.
    - ۳- عدم ایجاد وحدت میان اعراب کشاورز و روستایی و زنگیان مهاجر.
    - ۴- عدم هماهنگی میان نهضت صاحب‌الزنج و قیام یعقوب لیث و نهضت علویان طبرستان.

آنچه قابل ذکر است اینکه اگر میان صفاریان و زنگیان که هردو علیه خلافت عباسی می‌جنگیدند وحدت بوجود می‌آمد احتمال سقوط و فروپاشی عباسیان قوت می‌گرفت.  
و ظاهراً صاحب‌الزنج نامهای به سوی یعقوب لیث گسیل داشته و از وی جهت دفع لشکریان خلیفه مدد خواسته بود که یعقوب از مساعدت به زنگیان خودداری ورزید و این امر یقیناً از اشتباہات سیاسی یعقوب بود.<sup>(۱۸)</sup>

و از طرف دیگر اگر میان علویان طبرستان، صفاریان و زنگیان علیه عباسیان همراهی بسیار می‌آمد، احتمال سقوط خلافت عباسی می‌رفت و شاید جهت حرکتهای سیاسی و قیامهای مردمی عمیق‌تر منی شد که اثرات آتی آن بیشتر نمایان می‌گشت.

ضربه و صدمه فراوان یافت و به روایت مسعودی در متروک‌الذهب، آنان از سوزاندن مساجد بصره هم خودداری نکردند که البته تأمل لازم است. از جمله اعمال افراطی او که خوشایند مردم نبود و باعث شد که برخی از سکنه بصره، واسطه، ابله، بحرین، اهواز، حتی رامهرمز که قلمرو نفوذ صاحب‌الزنج بود، از دیار خویش رخت بربسته و به نواحی دیگر رفتند.

اگرچه در شیعی بودن صاحب‌الزنج باید اندیشه کرد، اما هدفش رهایی کشاورزان و بردگان از استم زمین‌داران بود. صاحب‌الزنج خود را امیر المؤمنین می‌نامید. و به تقلید از خلافت عباسی سکه به نام خویش ضرب کرد.

خواجه نظام‌الملک، صاحب‌الزنج را مزدکی و قرمطی می‌داند، البته از نظام‌الملک که مخالف نهضت شیعیان است انتظار جز این نمی‌رود.<sup>(۱۹)</sup> ولی بر تلس محقق و خاورشناس معروف رهبر صاحب‌الزنج را شیعی می‌داند.<sup>(۲۰)</sup>

آری، سرانجام «موفق» برادر خلیفه عباسی با سپاهیانی از ترکان و اعراب و تطمیع آنان به مال و جاه، به جنگ صاحب‌الزنج آمد و دستورداد که راه ورود خواروبار و کالا را از هرسو بزنگیان بینندند و دست به محاصره شدید اقتصادی زدند.

محاصره نظامی همراه با محاصره اقتصادی سبب شکست صاحب‌الزنج شد و مختاره پایتخت زنگیان سقوط کرد و در این نبرد علی بن محمد رهبر نهضت دستگیر و به قتل رسید و سریع را به بغداد نزد معتزد خلیفه عباسی فرستادند (سال ۲۷۰ هجری).<sup>(۲۱)</sup>

و بدین سان نهضت بردگان و زنگیان به خاموشی گرایید، اما به فراموشی سپرده نشد، و خاطره آن سالها بر جای ماند.

## یادداشت‌ها

- ایران، بخش یازدهم، خ ۳۴۳-۳۴۵.
- ۷- سیوطی، تاریخ الخلفاء، مصر، ۱۳۰۵ هـ، خ ۱۳۳.
- ۸- همان مأخذ.
- ۹- صالحی، تاریخ الوزرا، بیروت ۴، ۱۹۰۶، خ ۳۰۶.
- ۱۰- ابوالمحاسن، النجوم الزاهره، لیدن ۱۸۵۵، ج ۲، خ ۳۰.
- ۱۱- مقایسه شود با کتاب البرق فی الاسلام از احمد شفیق، چاپ دوم، مصر، خ ۹۷-۸۳.
- ۱۲- دراین زمینه نگاه کنید به کتاب تاریخ سیاستی غیبت امام دوازدهم، تحقیق از دکتر جاسم حسین، ترجمه دکتر سید محمد تقی آیت‌الله‌ی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷، فصل دوم: نقش امامان در فعالیت‌های مخفی و تأثیر آن بر تکامل تدریجی غیبت، خ ۶۲ به بعد.
- ۱۳- طبری، تاریخ، ج ۴، ۱، ص ۶۳۰-۷ (ترجمه پاینده).
- ۱۴- حمدالله مستوفی، نزهه القلوب، تصحیح برون، ص ۵۲.
- ۱۵- اشپولر، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ترجمه فلاطوری، ص ۲۷-۲۵.
- ۱۶- تاریخ ایران، ۱۳۶۳، ص ۴۷۴-۷۸. ادام متز، تمدن اسلامی در قرون چهارم، ترجمه ذکاوی فرهنگ گزلو، ج اول، ص ۱۸۶-۱۸۷.
- ۱۷- فرامرزی، سورش بردگان، به کوشش حسن فرامرزی، تهران ۱۳۴۷، علینقی منزوی، جنبش بردگان در جنوب، مجله فرهنگ نو، ج ۱، شماره ۸، ص ۶۱-۶۰. ادوارد برون، تاریخ ادبیات ایران، ترجمه علی پاشا صالح، ج اول، ص ۵۱-۴۳.
- ۱۸- خواجه نظام‌الملک، سیاست نامه، ص ۲۳۱.
- ۱۹- تجارب السلف، ص ۱۸۹-۹.
- ۲۰- سیاست نامه، ۲۳۲. مسعودی، مروج الذهب، ج ۲، ص ۵۹-۵۸.
- ۲۱- برقلس، ناصر خسرو و اسماعیلیان، ترجمه آرین پور، تهران، بنیاد فرهنگ سابق ایران، ص ۸.
- ۲۲- سیاست نامه یاسیر الملوك، به اهتمام هیوبرت دارک، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی تهران چاپ دوم، ۱۳۶۴، ص ۳۰۵-۶.
- ۲۳- اشپولر، تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی، ترجمه جواد فلاطوری، چاپ دوم، تهران، ۱۳۶۴، ص ۱۰۵-۱۲۷.
- ۲۴- میرقطرس، لا بد نویسنده محترم نیز با به اصل تکامل تاریخی به مقام «انسان خدایی» نایل آمدفاند.
- ۲۵- ابودذر خرم دینان و نهضت حروفیان (تحلیلی کوتاه از جنبش خرم دینان و نهضت حروفیان) تهران انتشارات پیوند، ۱۳۵۷، وهمجنین مقایسه کنید با نوشه پاسخی به مقاله روزنامه کیهان درباره کتاب سرخ جامگان و نمایشگاه ازایرج فرزانگان، تهران، نشر رهیاب، ۱۳۵۷، خ ۳ به بعد و مقاله ایرج فرزانگان جوابی بود به مقاله آقای سیدجواد صدر بلاغی به نام «تحقیق تاریخی بهله تهمت و تحریف نه» که در کیهان شماره ۱۰۵۰۶ درج شده.
- ۲۶- غلامرضا انصافپور، روند نهضت‌های ملی و اسلامی در